

باز خوانی علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی امام خمینی (ره)

تدبیر یک جام

که ما در عملیات رمضان فریتم و وارد خاک عراق شدیم و قطعه‌ای از خاک عراق را گرفتیم، از آنجا به بعد یک بحث‌هایی مطرح شد که بیشتر درگوشی بود که بعضی از این آقایان آن شهادت لازم را در اینکه به طور جدی بیایند با امام یا مثلا با مسئولان اصلی کشور که تصمیم‌گیرنده بودند، بحث کنند نداشتند ولی درگوشی بعضی جاها جلساتی می‌گذاشتند که این تا والفجر مقدماتی همین طور ادامه پیدا کرد. بعد هم امام به آنها پیام دادند این جلسات چیست؟ این جلسات ماهیتش چیست؟ چون این جلسات مخفیانه تشکیل شده بود، بعد هم به گوش همه می‌رسید، یعنی آن شجاعت لازم که بیاورد یک جایی تصمیم‌گیری شود، اینطور عمل نمی‌شد و امام نگران شده بودند این جلسات مخفیانه برای چه تشکیل شده و چرا هست؟ از آنها توضیح خواسته بودند که آنها هم تعطیل کردند و بعد هم جلساتشان را ادامه ندادند. خیرش هم به رزمندگان می‌رسید و فکر می‌کردند یک دوگانگی در مرکزیت ایران هست و امام یک نظرانی دارد و یک عده دیگر نشسته‌اند و به صورت پنهانی جلسات دیگری دارند. این باعث نگرانی در جبهه‌های جنگ شده بود، در حالی که اگر عده‌ای می‌خواهند یک پیشنهادی بدهند، باید به طریقی این پیشنهاد را مطرح کنند که باعث تعیین تکلیف در جنگ شود، نه اینکه جبهه و وضع جنگ را تضعیف کند.

بنابراین به نظر محسن رضایی، می‌توان نتیجه گرفت از فتح خرمشهر تا سال ۶۶ عامل عدم موفقیت کامل در عملیات‌هایی نظیر والفجر مقدماتی، کربلای ۴، کربلای ۵ و رمضان، عدم همراهی تمام و کمال دولت با جبهه جنگ بود و از سال ۶۶ که دولت مسئولیت اداره جنگ را بر عهده گرفت، تا توجه به تمایلی که سیاسیون و دولتی‌ها به صلح داشتند، پروسه پذیرش قطعنامه نیز آغاز شد.

محسن رفیق‌دوست، وزیر وقت سپاه در این رابطه می‌گوید: حرکتی که منجر به پذیرش قطعنامه شد، این بود که آقای هاشمی به عنوان فرمانده جنگ، آقای میرحسین موسوی را گذاشت رئیس ستاد و آقای بهزاد نبوی را گذاشت مسوول پشتیبانی.

انطور که از اظهارات فرماندهان نظامی برمی‌آید، گرچه امام خمینی (ره) به دنبال سقوط صدام بود اما در واقعیت دولت و سیاسیون چون حسن روحانی با هدف امام همراه نبودند، لذا کار به جایی رسید که امام خمینی (ره) به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ رضایت دادند. به همین خاطر است که حضرت امام در پیام قطعنامه خطاب به مردم ایران می‌فرمایند: «بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ، احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند. بدا به حال آنانی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی، تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقادکننده و پرخاشگر گذشتند.»



همین بود. ما فکر می‌کردیم اگر آقای میرحسین دور دوم هم نخست‌وزیر بماند، دولت بیشتر می‌آید در جنگ که بعد از یک سال متوجه شدیم نه شدنی نیست و فکری که ما می‌کردیم اتفاق نیفتاد، ولو دولت آقای میرحسین از جنگ حمایت می‌کرد اما ما یک حمایت واقعی می‌خواستیم. آنجا بود که دیگر به فکر افتادیم که نه، اصلا مسئولیت جنگ بیفتد روی دوش دولتمردان کشور، چون اگر مسئولیت جنگ روی دوش خودشان بیفتد، بالاخره یا از این طرف یا از آن طرف عمل می‌کنند. یعنی یا همه کشور را می‌آورند و همه امکانات دولت می‌آید وارد صحنه جنگ می‌شود و ما شاهد پیروشی‌های نظامی بیشتری خواهیم بود یا از نظر سیاسی به یک فکری بیفتند که مسئله جنگ را از بعد سیاسی حل کنند. از سال ۶۶ به این طرف دیگر عملا ستادی تشکیل شد و دولت وارد جنگ شد. منتهی اولاً زمان دیگر خیلی از دست رفته بود و ثانیاً وقتی دولت وارد جنگ شد دید که از بس طرف مقابل توانایی‌اش بالا رفته است او نمی‌تواند به این زودی توانایی در حد ارتش عراق را در جبهه برای رزمندگان فراهم کند. البته خیلی از کارخانجات رفتند به سمت تولید خمپاره و توپخانه و تعدادی از کارخانجات ایران بسیج شدند ولی خوب خیلی دیر شده بود و فکر می‌کردند دیگر به این زودی نمی‌توانند موازنه قوا را برقرار کنند، لذا تمایل به صلح بیشتر شد.

■ امام نگران «مجمع عقلا» بود
محسن رضایی درباره مجمع عقلا می‌گوید: «بعد

صدام ساقط شود و همه از خدا می‌خواستند شر صدام برای این منطقه، برای ما و برای عراق از بین برود. این آرزوی همه بود اما وقتی می‌خواهیم آن را به استراتژی تبدیل کنیم، باید هدفگذاری کرده و راه را مشخص و مقدماتش را ترسیم و نهایتاً به برنامه تبدیل کنیم که خوب شدنی نبود، بنابراین بله نظرم این بود آن مقطع وقتی ما فو را گرفتیم، باید جنگ را تمام و به عنوان یک پیروزی این را اعلام کنیم.»

همانطور که از اظهارات حسن روحانی پیداست، او و همفکرانش شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه» که هدف امام و سرلوحه فرماندهان نظامی کشور بود را آرمان و آرزو خوانده و آن را به خاطر توان نظامی پایین ایران، دست نیافتی می‌دانستند.

■ کم‌کاری دولت میرحسین موسوی در دفاع مقدس
بر خلاف نظر روحانی، فرماندهان نظامی از جمله محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه پاسداران) معتقدند اگر دولت و سیاسیون پای کار جنگ می‌آمدند، عملی شدن خواسته امام دور از انتظار نبود. در همین رابطه محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران معتقد است دلیل عدم دستیابی به موفقیت‌های جالب توجه در جنگ، پای نبودن دولت و سیاسیون بود: «به یک نقطه‌ای رسیدیم که احساس می‌کردم خود مسئولان جنگ باید بیایند در جنگ و جنگ را اداره کنند تا امکانات کشور را بتوانند بیاورند، به نتیجه رسیده بودم که بدون آمدن مسئولان امکانات کشور وارد جنگ نخواهد شد. اصلا علت اینکه من آن موقع در بحث نخست‌وزیری دخالت کرده بودم،

معروف شد، بدون اطلاع امام خمینی و فرماندهان نظامی، به دنبال طرحی بودند که هر چه سریع‌تر به جنگ خاتمه بدهند.

حسن روحانی درباره این جلسات می‌گوید: «بله، معروف شده بود به جلسه عقلا. این جلسه جناحی نبود یعنی از هر دو جناح حضور داشتند، مثلا فرض بگیریم در آن جلسه آیت‌الله یزدی، آیت‌الله موحدی کرمانی و آقای انواری بودند و از آن طرف هم آقای کروبی، آقای فاضل‌هرندی و آقای بیات بودند؛ یعنی جلسات اصلا جناحی نبود، لذا همه آت‌هایی که صاحب فکر و نظری بودند، در آن جلسه جمع می‌شدند و حدود ۳۰ نفر بودیم؛ آن جلسات در سال ۶۴ و نیمه ۶۵ ادامه پیدا کرد. یکی از بخش‌های آن جلسه این بود که استراتژی جنگ چیست و می‌خواهیم چه کار کنیم. مفصل این مباحث مطرح شد و حداقل ۳۰ جلسه داشتیم، البته دقیقش یاد نیست، شاید افرادی بودند که بعضی از آن جلسات را یادداشت می‌کردند. ما در جلسه با نمایندگان عقلا خیلی بحث کردیم چون در آن جلسه یک نظر این بود که ما باید وارد عراق بشویم تا صدام ساقط شود ولی ما می‌گفتیم خوب چقدر پول می‌خواهیم، چقدر نیرو می‌خواهیم یا چقدر امکانات می‌خواهیم. ببینید همه اینها کنار هم باید قرار بگیرد. ادعا بدون اینکه پشتوانه داشته باشد که مضمثر نیست. این دیگر استراتژی نمی‌شود، آرمان و آرزو می‌شود. به اعتقاد من، بسیاری از حرف‌هایی که در جنگ زده می‌شد آن زمان آرزو و آرمان بود و همه هم دوست داشتیم هیچ کس بدش نمی‌آمد

گروه سیاسی: در تاریخ دفاع مقدس حوادث و اتفاقات زیادی رخ داده که تاکنون انطور که باید مورد بررسی قرار نگرفته است. پذیرش قطعنامه ۵۹۸، یکی از موضوعاتی است که برخی ابعاد آن با گذشت بیش از سه دهه، هنوز برای مردم روشن نشده است.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی به دلیل تأثیری که بر پایان دادن به جنگ ۸ ساله ایران و عراق داشت، از اهمیت تاریخی فراوانی برخوردار بوده و طبیعتاً پرسش‌هایی نیز درباره قطعنامه وجود دارد. سوالاتی که همواره در این رابطه مطرح است، از این قرار است: اساساً چرا دستیابی به صلح بین ایران و عراق، ۸ سال به طول انجامید؟ زمینه‌های پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران چه بود؟ چرا امام خمینی از آن به عنوان جام زهر یاد کردند؟

■ پذیرش قطعنامه، علل و زمینه‌ها
جنگ ایران و عراق به پیش و پس از فتح خرمشهر توسط ایران تقسیم می‌شود. تا پیش از باز پس‌گیری خرمشهر، همه مقامات و مسئولان چه سیاسی و چه نظامی، متفق‌القول بودند که باید جنگ و سرزمین‌های اشغال شده را پس گرفت اما پس از فتح خرمشهر در خرداد سال ۶۱، با وجود آنکه برخی مناطق کشور تحت اشغال بعضی‌ها بود، زمزمه صلح از سوی برخی مسئولان سیاسی کشور بلند شد. از فتح خرمشهر به این سو، درحالی که فرماندهان نظامی کشور طبق فرموده امام خمینی (ره) جنگ تا رفع فتنه (صدام) را دنبال می‌کردند و هدفشان طراحی سلسله عملیات‌هایی بود که نتیجه جنگ را به نفع ایران رقم بزند، مسئولان سیاسی کشور به رهبری مرحوم هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی با علم کردن شعار جنگ جنگ تا یک پیروزی، به دنبال دستیابی به برهه برنامه‌ای بودند تا دست پر به مذاکره در مجامع بین‌المللی بروند.

سردار رحیم صفوی، فرمانده وقت نیروی زمینی سپاه پاسداران، طی گفت‌وگویی با «مرز عبور» در ارتباط با اینکه چرا مرحوم هاشمی به دنبال پایان دادن سریع به جنگ بود، با اشاره به هماهنگ نبودن مرحوم هاشمی با امام خمینی (ره) در پیشبرد مسائل جنگ، گفت: رهبری سیاسی جنگ، یعنی آقای هاشمی، با حضرت امام و رهبری نظامی جنگ هماهنگ نبود. به نظر من آقای هاشمی بعد از امام بود و می‌خواست بعد از امام کشور را اداره کند؛ لذا می‌خواست قدرت را در دست داشته باشد و حکومت بود و به همین دلیل تن این جنگ نباید همه چیز از بین برود. این برای حفظ قدرت خود و ادامه حکومتش بود که نمی‌خواست همه منابع کشور از بین برود. آقای هاشمی نگاهش به آینده و قدرت و حکومت بود و به همین دلیل تن به همکاری کامل با نیروهای نظامی نمی‌داد.

■ «مجمع عقلا» به رهبری حسن روحانی
سال ۶۴ در بجهت جنگ، تعدادی از نمایندگان مجلس به رهبری رئیس وقت کمیسیون دفاعی مجلس (حسن روحانی)، با برگزاری جلساتی که به مجمع عقلا

گذریده‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای درباره قطعنامه ۵۹۸ به مناسبت سالگرد پذیرش آن

قطعنامه ۵۹۸ به روایت رهبر انقلاب

میدان خارج نمی‌شود. امام با منش و شخصیت درخشان خود، کاری کرد که همه در دنیا، این نکته را فهمیدند. فهمیدند که این مرد را از میدان نمی‌شود خارج کرد؛ تهدید نمی‌شود کرد؛ با فشار و با تهدیدهای عملی هم نمی‌شود او را از راه خود منصرف کرد. لذا مجبور شدند خودشان را با انقلاب تطبیق دهند.

■ کاسه شهد و شیرینی به جای کاسه زهر...
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم در نخستین روز هفته وحدت (مهرماه سال ۶۹) با اشاره به فداکاری امام در قبول قطعنامه اظهار کردند: هر کسی در این ایام، اظهارات مخالفان ما را در دنیا گوش کرده یا خوانده باشد، می‌فهمد دشمنان نظام ما، بطور از عزت امروز جمهوری اسلامی، از ته دل ناراحتند. پیروزی ملت ایران، به کام اینها تلخ آمد. خدای متعال، همه کارها را با حساب انجام می‌دهد. یک روز بنده صالح خدا، آن انسان بزرگ و مخلص که هیچ‌چیز را برای خودش نمی‌خواست و همه کارها را برای خدا می‌کرد و همه چیز را برای او می‌خواست، در قضیه قطعنامه گفت: کاسه زهر را نوشیدیم. این تلخی را او تحمل کرد ولی خدای متعال به آن بنده صالح عوض داد و هنوز ۲ سال و اندی گذشته کاسه شهد و شیرینی پیروزی را به ملتش چشاند و کام‌شان را شیرین کرد. آن فداکاری،

را پذیرفت، پذیرش قطعنامه به خاطر ترس نبود؛ به خاطر هجوم دشمن نبود؛ به خاطر تهدید آمریکا نبود؛ به خاطر این نبود که آمریکا ممکن است در امر جنگ دخالت کند، چون آمریکا، قبل از آن هم در امر جنگ دخالت می‌کرد، وانگهی؛ اگر همه دنیا در امر جنگ دخالت می‌کردند، امام رضوان‌الله علیه، کسی نبود که رو برگرداند. بر نمی‌گشت؛ آن، یک مساله داخلی بود؛ مساله دیگری بود. در تمام عمر ۱۰ ساله حیات مبارک امام رضوان‌الله تعالی علیه، پس از پیروزی انقلاب، یک لحظه اتفاق نیفتاد که او به خاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیه حسینی. جنگ، تلفات دارد. جان یک انسان، برای امام خیلی عزیز بود. امام بزرگوار، گاهی برای انسانی که رنج می‌برد، اشک می‌ریخت یا در چشمش اشک جمع می‌شد اما بارها این حالت را در امام مشاهده کرده بودیم. انسانی رحیم و عطف، دارای دلی سرشار از محبت و انسانیت بود اما همین دل سرشار از محبت، در مقابل تهدید شهرها به بمباران هوایی، پایش نلرزید و نلغزید. از راه برنگشت و عقب‌نشینی نکرد. همه دشمنان انقلاب در طول این ۱۰ سال، فهمیدند و تجربه کردند که امام را نمی‌شود ترسانند. این، نعمت بسیار بزرگی است که دشمن احساس کند عنصری چون امام، با ترس و تهدید از

گروه سیاسی: رهبر حکیم انقلاب در بیانات مختلف‌شان در طول سال‌های پس از جنگ به ابعاد مختلف پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رهبر کبیر انقلاب پرداختند و تصمیم امام را با نگاه به شرایط داخلی آن زمان در داخل کشور دانستند.

به گزارش «وطن امروز»، رهبر معظم انقلاب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط امام خمینی را در واقع ناشی از اراده فهرست مشکلاتی دانستند که مسئولان آن روز امور اقتصادی کشور مقابل روی امام گذاشتند و نشان دادند کشور نمی‌کشد و نمی‌تواند جنگ را با این همه هزینه ادامه دهد و امام خمینی مجبور به پذیرش این قطعنامه شدند.

در ادامه به بازخوانی بیانات رهبر انقلاب درباره قطعنامه ۵۹۸ می‌پردازیم.

■ پذیرش قطعنامه به خاطر ترس نبود
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در هفتمین سالگرد رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی در اجتماع پرشکوهر زائران مرقد امام خمینی (ره) فرمودند: قطعنامه را هم که امام قبول کرد، به‌خاطر این فشارها نبود. قبول قطعنامه از طرف امام، به خاطر فهرست مشکلاتی بود که مسئولان آن روز امور اقتصادی کشور مقابل روی او گذاشتند و نشان دادند کشور نمی‌کشد و نمی‌تواند جنگ را با این همه هزینه، ادامه دهد. امام مجبور شد و قطعنامه



بود اما روزهای گذشت که سازمان ملل در آن روزها، هیچ عکس‌عملی نشان نداد؛ این عادی نیست. در حمله عراق به کویت، بعد از چند ساعت شورای امنیت موضع‌گیری نکرد اما در حمله عراق به ایران، تا وقتی که تاک‌های عراقی پیشروی می‌کردند، شورای امنیت ساکت و تماشاچی نشست؛ بعد از آنکه هزاران کیلومتر را تصرف کرده بودند، شورای امنیت یک کلمه حرف زد، که آن هم تکیه تجاوز نبود؛ عراق را ملامت نکرد که چرا تجاوز کرده و جنگ را شروع کرده است؛ به ۲ طرف گفت حالا بیاید دست از جنگ بکشید و آتش‌بس کنید؛ یعنی در حقیقت، تثبیت عراق در اراضی اشغالی ما، البته ما قبول نکردیم و آن قطعنامه را رد کردیم.

این مسیر تنها متعلق به شماست.
اینترنتی "کاملا" اختصاصی برای کسب‌وکار شما

رسپینا

بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده پهنای باند اختصاصی به سازمان‌ها در ایران

www.respina.net

@respinaofficial

تلفن: ۰۲۱-۹۲ ۰۰ ۰۰ ۰۰



شرکت داده‌پردازی رسپینا
(سهامی خاص) - شماره ثبت: ۱۳۹۱۱
دفتر پست: ۲۲۲ به شماره ۴۵-۱۴۱۰
از ما می‌توانید بخواهید: راه‌های ارتباطی